



دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی  
شریعتی

پایان نامه کارشناسی ارشد

گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی

# بررسی عناصر رئالیستی در رمان

## هزار خورشید درخشان

استاد راهنما:

دکتر مریم صالحینیا

استاد مشاور:

دکتر سید محمد جواد مهدوی

پژوهش و نگارش:

راحله آزاديفر

## زمستان 1390

### چکیده

خالد حسینی رمان‌نویس معاصر افغانستانی در اثرش، هزار خورشید درخشان، به وضعیت اجتماعی دوران جنگ در افغانستان پرداخته‌است. این رمان در جامعه کتابخوان ایران چنان مورد توجه واقع شد که در مدتی اندک چندین مترجم آن را به فارسی برگرداندند. به نظر می‌رسد یکی از رموز موفقیت این اثر وجوه رئالیستی آن است این رساله ضمن پرداختن به رئالیسم و اصول آن، و معرفی نویسنده و آثارش، عناصر رئالیستی رمان هزار خورشید درخشان را با تکیه بر شخصیت‌های رمان و عوامل مؤثر بر زندگی آنها بررسی می‌کند.

حسینی شخصیت‌های رمانش را از میان مردم عادی و معمولی جامعه‌ی معاصر افغانستان برگزیده‌است. آن‌ها افرادی عادی هستند که با آداب و رسوم، باورها و عقایدشان زندگی می‌کنند و نمادی از انسان‌های زجرکشیده‌ای هستند که در موقعیتی خاص و در یک برهه‌ی معین از تاریخ افغانستان زندگی می‌کنند. نویسنده شیوه‌ی زندگی طبقات و اقوام مختلف را در کنار یکدیگر مطرح می‌کند. هزار خورشید درخشان تصویری است روشن و تا اندازه‌ی زیادی واقعی از افغانستان سال‌های 1352-1380، با این همه نویسنده نتوانسته است به تمامی خود را از سیطره نظام امپریالیستی که در آن زیسته و آن را پذیرفته برهاند.

کلیدواژه‌ها: خالد حسینی، هزار خورشید درخشان، رنالیسم.

## فهرست مطالب

مقدمه	10-15
تعریف مسأله	11
پیشینه	12
ضرورت تحقیق	13
پرسش‌ها	13
فرضیه‌ها	13
اهداف	14
فصل اول: رنالیسم	

اصول	مکتب	رئالیسم	-1.1
			<b>25</b>
تجسم	واقعتهای عینی		-1-1-1
			26
بیان	مسائل	اجتماعی	-1-1-2
			27
اهمیت دادن	به	تاریخ	-1-1-3
			28
بی طرفی	نویسنده در	روند	-1-1-4
		داستان	29
توصیف		جزئیات	-1-1-5
			30
انواع رئالیسم			-1.2
			<b>31</b>
رئالیسم ابتدایی	Primary realism))		-1.2.1
			32
رئالیسم انتقادی	Critical realism))		-1.2.2
			32
رئالیسم سوسیالیستی	Socialist realism)		-1.2.3
			34
رئالیسم روان شناختی	Psychological realism))		-1.2.4
			35
رئالیسم جادویی	Magic realism))		-1.2.5
			36
ویژگیهای رمان رئالیستی			-1.3
			<b>37</b>
شخصیت پردازی رئالیستی			-1.3.1
			38

مکان و زمان در رمان رئالیستی	-1.3.2
42	
زبان رئالیستی	-1.3.3
44	
<b>فصل دوم: معرفی نویسنده و آثارش</b>	
47 - 59	
زندگی نامه‌ی خالد حسینی	-2.1
48	
بررسی آثار خالد حسینی	-2.2
49	
<b>فصل سوم: بررسی جنبه‌های رئالیستی رمان هزار خورشید</b>	
درخشان	60 - 145
طرح	-3.1
64	
فضاسازی	-3.2
67	
فضاسازی محیط زندگی شخصیت‌ها	-3.2.1
67	
فضاسازی به منظور انعکاس ساختار قومی و جمعیتی	-3.2.2
69	
زمان	-3.3
73	
مکان	-3.4
79	
مکان‌های داستانی	-3.4.1
80	
مکان‌های جغرافیایی	-3.4.2
82	

	شهرها و محلات	-3.4.2.1
	82	
	مکان‌های تاریخی و باستانی	-3.4.2.2
	84	
	انواع شخصیت 87	3.5
	شخصیت‌های حقیقی	3.5.1
	3-5-1-1-شخصیت‌های سیاسی	
	3-5-1-2-شخصیت‌های تاریخی و فرهنگی	
	شخصیت‌های داستانی	3.5.2
	3-5-2-1-ویژگی‌های شخصیت‌پردازی خالد حسینی در رمان	
	هزار خورشید درخشان 87	
	3-5-2-2-شخصیت‌های اصلی	
	95	
	3-5-2-2-1-مریم	
	95	
	3-5-2-2-2-لیلا	
99	شخصیت‌های	3-5-2-3
فرعی		108
	3-5-2-3-1-جلیل	
	108	
	3-5-2-3-2-حکیم	
	3-5-2-3-3-فریبا	
	3-5-2-3-4-ننه	
	3-5-2-3-5-رشید	
	110	
	3-5-2-3-6-طارق	
	115	

فیض الله	3-5-2-3-7-ملا	120
دید	3-6-زاویه	122
درون مایه	3-7-	124
سیاسی	3-7.1-	125
اجتماعی-فرهنگی	3-7.2-	127
خانواده	3-7-2-1-نهاد	128
نامشروع	3-7-2-2-رابطه	130
متجدد	3-7-2-3-زن سنتی و زن	132
مردم افغانستان	3-7-2-4-انعکاس برخی باورها، آداب و رسوم	134
مذهبی	3-7-3-	137
قومی	3-7-4-اختلافات	137
زبان	3-8-	141
فصل چهارم: نتیجه		146-152

**کتابنامه**

**153 - 158**



## مقدمه

طرح

پیشینه

ضرورت تحقیق

پرسش‌ها

فرضیه‌ها

اهداف

## تعریف مسأله

در مباحث نقد ادبی، اصطلاح رئالیسم به مفهومی خاص برای اشاره به جنبشی ادبی در قرن نوزدهم به کار می‌رود و به مفهومی عام، نام سبکی ادبی است که هنوز در ادبیات داستانی معاصر استمرار دارد. رمان هزار خورشید درخشان نوشته‌ی خالد حسینی، نمونه‌ای از آثار رئالیستی به مفهوم عام کلمه است که نویسنده در آن کوشیده‌است تا شخصیت‌ها و اوضاع اجتماعی‌شان را آن‌گونه که در زندگی واقعی افغانستان سال‌های دهه‌ی 50 تا 80 شمسی بوده، بازنمایی کند.

حسینی با استفاده از سبک رئالیسم، واقعیت‌های تلخ و ناخوشایند جامعه‌ی افغانستان را از دوره‌ی حکومت داوودخان تا دوره‌ی طالبان و ورود نیروهای آمریکایی نشان می‌دهد و می‌کوشد تا واقعیت‌های تاریخی و اجتماعی جامعه‌ی افغانستان را به طرز عینی در اثر خود بازتاباند. در این رمان که داستان زندگی دو زن از دوران کودکی تا بزرگسالی‌شان روایت شده است، حسینی دنیای ذهنی و روانی را به وسیله‌ی تک‌گویی‌های درونی نشان می‌دهد.

نویسنده در رمان هزار خورشید درخشان توانسته است واقعیت خاص و ناب زندگی انسان‌ها و به خصوص زنان را در یک دوره‌ی تاریخی معین نشان دهد. او شخصیت‌ها، زمان و مکان، شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه‌ی افغانستان را از دید دو زن با خاستگاه اجتماعی متفاوت توصیف و تشریح می‌کند. او توانسته با هنر خود ماهیت، انگیزه‌ها، رؤیاهای و شخصیت آنان را به صورت فردی و اجتماعی آشکار کند.

مهم‌ترین اصول سبک رئالیسم در رمان هزار خورشید درخشان ثبات زمان و مکان، شخصیت‌پردازی از طریق توصیف وضعیت ظاهری و روحی و روانی و تصویرسازی محیط‌های داستانی است. در آثار حسینی مهم‌ترین مسائل اجتماعی جامعه‌ی افغانستان چون اختلافات قومی و مذهبی، جدال سنت و مدرنیته در نحوه‌ی پوشش و رفتار شخصیت‌ها به خوبی نمایان شده است.

هزار خورشید درخشان به دلیل رئالیسم انتقادی و قدرت نویسنده در ارائه‌ی مسائل ویژه‌ی جامعه بسیار ارزشمند است. این رمان در حقیقت سرگذشت محنت‌بار دو زن را با خاستگاه متفاوت در قالب دو چهره‌ی زن سنتی و مدرن در دو محیط متفاوت و شرایط زندگی فردی و اجتماعی گوناگون به تصویر می‌کشد.

سپس زمانی که سایه‌ی سیاه جنگ‌های داخلی دوره‌ی مجاهدین، زندگی اجتماعی مردم را در شهر کابل فلج کرده است، آن دو را در شرایطی قرار می‌دهد که خارج از طاقت انسان است. دو عنصر رنج و دوستی در زندگی شخصیت‌های اصلی داستان به شکل بارزی تبلور یافته‌است. دوستی و محبت نامتعارف مریم و لیلا، در نقش دو هوو، نقطه‌ی اوج این عشق است و ترکیب این دو عنصر، آن را تبدیل به اثر داستانی شاخص و متمایز کرده است.

### پیشینه

در زبان فارسی آثار محدودی درباره‌ی سبک رئالیسم وجود دارد. از نویسندگان داخلی دو کتاب ارزشمند مکتب‌های ادبی اثر دکتر رضا سیدحسینی و کتاب رئالیسم و ضد رئالیسم اثر دکتر سیروس پرهام موجود است که به بحث از مکتب رئالیسم پرداخته‌اند. از نویسندگان خارجی کتاب‌های نگاهی به تاریخ ادبیات جهان؛ تاریخ رئالیسم، (1357) اثر ماکس رافائل، (ترجمه م. فرهادی و محمد تقی فرامرزی) تاریخ رئالیسم؛ پژوهشی در رئالیسم اروپایی از رنسانس تا امروز (1362)، اثر بوریس ساچکوف، ترجمه‌ی محمدتقی فرامرزی، پژوهشی در رئالیسم اروپایی (1373) و معنای رئالیسم معاصر (1349) هر دو اثر گئورگ لوکاچ منتقد و نظریه‌پرداز مجاری وجود دارد. آثار نظری در زمینه‌ی نقد و بررسی رمان‌های رئالیستی نوشته شده‌است که عبارتند از: بازآفرینی واقعیت اثر محمدعلی سپانلو که شامل سی‌صه از سی نویسنده‌ی ایرانی است، کتاب هنر و واقعیت اثر عبدالعلی دستغیب، در دهه‌ی هشتاد آثار چند نویسنده‌ی ایرانی که بر اساس مکتب رئالیسم نقد و بررسی شده که

بیشتر جنبه‌ی کاربردی دارند و عبارتند از: 1- رئالیسم پویا در آثار جلال آل‌احمد، (1383)، از محمد حسین دهقانی فیروزآبادی. 2- واقع‌گرایی در ادبیات داستانی معاصر (1386)، نوشته‌ی فدوی شکری که سه اثر از سه نویسنده‌ی رئالیستی ادبیات داستانی فارسی (مدیر مدرسه از جلال آل‌احمد، چشم‌هایش از بزرگ علوی و همسایه‌ها از احمد محمود) را نقد و تحلیل کرده است. 3- بررسی آثار چوبک از دیدگاه ناتورالیسم و رئالیسم (1386)، از فاطمه حسینی. 4- نگاهی به رئالیسم در آثار علی محمد افغانی و سیمین دانشور (1386) نوشته‌ی مرضیه ناطقی.

### **ضرورت تحقیق**

کشور افغانستان در چند دهه‌ی اخیر شاهد تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بسیاری بوده است، بررسی این تحولات در ادبیات داستانی، از اهمیت اساسی برخوردار است. نگارنده‌ی این رساله به این منظور به تحلیل و بررسی رمان هزار خورشید درخشان نوشته‌ی یکی از نویسندگان افغانستانی، یعنی خالد حسینی پرداخته است. حسینی در کمتر از ده سال با نگارش دو رمان بادبادک‌باز و هزار خورشید درخشان به شهرت جهانی رسیده است. مهم‌ترین علت استقبال از آثار حسینی جنبه‌ی رئالیستی آثار او و بازتاب وقایع و اتفاقات معاصر جامعه‌ی افغانستان در رمان‌هایش بوده است. رمان هزار خورشید درخشان اختصاص به زنان افغانستان دارد و از نمای بسیار نزدیک وضعیت و موقعیت زنان در دو جنبه‌ی فردی و اجتماعی را تشریح کرده است.

### **پرسش‌ها**

- 1- هزار خورشید درخشان تا چه حد مطابق با ویژگی‌های سبک رئالیسم نگارش یافته است؟
- 2- شرایط اجتماعی و تاریخی جامعه‌ی افغانستان تا چه حد و چگونه در این رمان بازتاب یافته است؟
- 3- آیا نویسنده این شیوه بیان ادبی را آگاهانه انتخاب کرده است؟

## فرضیه‌ها

- 1- رمان خالد حسینی در شکل و محتوا مطابق با اصول مکتب رئالیسم نوشته شده است.
- 2- رمان خالد حسینی جزو آثار داستانی مهمی است که درباره‌ی جامعه‌ی معاصر افغانستان نوشته‌اند و می‌تواند بخشهایی از واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و اقتصادی این جامعه را نشان دهد.
- 3- خالد حسینی رمانش را برای جذب مخاطب بیشتر به زبان انگلیسی نوشته است برای این منظور به یک نوع تاریخ نگاری اجتماعی یک دوره‌ی سی‌ساله از تاریخ جامعه‌ی معاصر افغانستان پرداخته است.

## اهداف

یکی از موضوعات شایان پژوهش، بررسی رمان‌های معاصر از دیدگاه اصول مکتب‌های ادبی جهان است. براین اساس که نویسندگان تا چه اندازه تحت تأثیر مکتب‌های ادبی جهان قرار گرفته و از کدام یک بیشتر متأثر شده‌اند و اصول کدام مکتب در آثارشان به کار گرفته شده است. هزار خورشید درخشان (A Thousand Splendid Suns) دومین اثر نامدار خالد حسینی است. او تمرکز خود را در دومین رمانش معطوف به قسمت‌هایی از جامعه افغانستان کرده که تاکنون از دید همگان پنهان بوده است؛ یعنی وضعیت زنان افغانستان. او در این رمان فارغ از مرزهای تعریف شده در جغرافیای سیاسی، راوی یک فرهنگ است. فرهنگی که به دلیل اشتراک زبانی با ایرانی‌ها، برای ما ملموس و جذاب است.

موفقیت مهم حسینی در رمان هزار خورشید درخشان به عنوان یک داستان‌نویس مرد آن است که به خوبی توانسته از زبان دو شخصیت زن، ذهنیت درونی و دغدغه‌های آنان را بازگو کند.

در رمان هزار خورشید درخشان، داستان پرسوز و گداز دوزن، در اختیار روایتی خاص قرار می‌گیرد تا وقایع و رویدادهایی از طرف‌های

درگیر در جنگ داخلی و پیامد آن بر زندگی روزمره و وضعیت مردم افغانستان را نشان دهد. او در این کتاب علاوه بر این که وجهی خشن و غیرانسانی طالبان را به تصویر میکشد، زندگی سخت زنان را در دوره‌ی حکومت آنها روایت می‌کند.

با توجه به ویژگی‌های موجود رمان هزار خورشید درخشان، بررسی جنبه‌های رئالیستی رمان چون شخصیت‌پردازی، زمان، مکان و زبان آن براساس مکتب رئالیسم می‌تواند بخش‌هایی از واقعیت‌های جامعه‌ی افغانستان را در قالب ادبیات داستانی آشکار کند.

به علت اشتراکات زبانی و فرهنگی که ما ایرانی‌ها با مردم افغانستان داریم، خوانش، نقد و بررسی آثار داستانی نویسندگان افغانستانی و یا آثار داستانی که درباره‌ی کشور افغانستان به نگارش درآمده است، می‌تواند برای ما جذابیت داشته باشد و در شناخت بهتر این کشور و فرهنگ آن کمک کند.

# فصل اول: رئاليسم

اصول مكتب  
رئاليسم

انواع رئاليسم

هاي رمان ويژگي  
رئاليسيستي

## فصل اول: رئالیسم

### 1-1 اصول مکتب رئالیسم -1

رئالیسم در مفهوم کلی به معنای واقعیت‌بخشی موضوعات و مضامینی است که در خارج از ذهن بشر وجود دارد، اما نحوه‌ی استفاده‌ی هر نویسنده از سبک و شیوه‌ی بیان رئالیسم به میزان شناخت او از واقعیت ارتباط دارد. هر اثر رئالیستی جهان‌نگری شخص نویسنده را نسبت به واقعیت‌های اجتماعی، تاریخی، فرهنگی و اقتصادی جامعه‌اش منعکس میکند. البته خصوصیت رئالیستی بودن آثار تنها در نوع نگاه نویسنده به زندگی نیست؛ بلکه در شیوه و روش بیان واقعیتها نیز هست. نویسندگان رئالیستی توجه خاصی به توصیف دقیق و عینی جزئیات زندگی چون لباس پوشیدن، غذا خوردن، معاملات اقتصادی و تعاملات اجتماعی و فرهنگی و غیره دارند.

نویسندگانی رئالیست با هدف خلق تصویری از زندگی دست به قلم می‌برد و می‌کوشد انگیزه‌های گوناگونی را که منشأ حرکات و رفتار شخصیتهاست، به خواننده نشان دهد و در این راستا توجه عمیقی به وضعیت، موقعیت و عمل شخصیت‌های داستانش دارد.

ادبیات داستانی در طول حیات خود با تحولات و رویدادهای جوامع دچار تحول و دگرگونی شده است و ماهیت و شکلش دائم در حال تحول و تکامل بوده است و به طور کلی نحوه‌ی روایت آن از شکل ساده و خطی به صورت بسیار پیچیده و تودرتو درآمده و بین حال، آینده و گذشته در نوسان بوده است که این امر تا حد زیادی خواننده را به فعالیت واداشته و درگیر متن کرده است. در این میان سبک رئالیسم هم به عنوان یکی از انواع بیان ادبی به اقتضای زمان و جهان‌بینی نویسنده متحول شده است؛ بنابراین برخی اصول و مبانی آن با تغییر ماهیت و شیوه‌ی بیان، تغییر



کرده است. در هر صورت، اصول کلی رئالیسم را می‌توان به شکل زیر دسته بندی کرد:

### 1.1- 1- تجسم واقعیت‌های عینی

عصر رئالیسم یک عصر انتقادی در برابر برتری حساسیت ذهنی و نیروی تخیل است. رمان در سال‌های 1850 تا 1890 چه از نظر کیفی و چه از نظر کمی اهمیت بسیاری یافته بود و در این دوره نیازمند کنار گذاشتن وهم و خیال و توسل به مشاهده بود و رئالیسم نیز در درجه‌ی اول به صورت کشف و بیان واقعیتی تعریف شد که رمانتیسیم یا توجهی به آن نداشت و یا آن را مسخ می‌کرد (سیدحسینی، 1387: 277).

شانفلوری در سال 1854م. رمان رئالیستی را تعریف می‌کند و می‌گوید: «رمان باید به مشاهده‌ی جزئیات دقیق بپردازد و نه به ابداع یا تخیل، این پای‌بندی به واقعیت و حقیقت باعث می‌شود که رمان کاملاً صمیمی باشد» (شارتیه، 1372: 57).

مشاهده و تجربه‌ی منطقی نویسنده از واقعیت‌های اجتماعی و تاریخی جامعه یکی از اصول مسلم سبک رئالیسم است. بر همین اساس وفاداری نویسنده به امور عینی و ملموس یکی از ملاک‌های اصلی رئالیستی بودن اثر محسوب می‌شود و نویسنده باید سعی در به تصویر کشیدن زندگی با نهایت صداقت داشته باشد، به طوری که تصویر ارائه شده، مطابقت زیادی با واقعیت‌های بیرونی داشته باشد.

رئالیسم کلاسیک به دنبال ارائه مستندات دقیق درباره‌ی نوع پوشش ظاهری افراد، خیابانها، خانهها و مجالس اشرافی و یا مکان‌های آکنده از فقر و بدبختی بود، نویسنده هر زمان که می‌خواست خط سیر داستان را قطع میکرد و به تشریح دقیق روابط اقتصادی، آداب و رسوم، مسائل اجتماعی و سیاست می‌پرداخت و از این طریق تصویری از کل جامعه

ارائه می‌داد.

## 2-1-1-1- بیان مسائل اجتماعی

با پیدایش رئالیسم در سده‌ی نوزدهم، مطالع‌هی زندگی و روابط پیچیده‌ی افراد در جامعه موضوع ادبیات داستانی قرار گرفت. نویسندگان با تحلیل و بررسی روند تکامل واقعیت‌های متغیر روابط اجتماعی، تصویر معتبری از زندگی فردی و اجتماعی جامعه معاصر خود ارائه دادند.

در این قرن با گسترش روابط بورژوازی، تضادهای طبقاتی نیز حادث شد و تمایل به تحلیل واقعیت‌های اجتماع در هنر و ادبیات نیز بیشتر شد و رئالیسم در درجه نخست به معنای تحلیل محیط زندگی انسان مطرح شد (ساچکوف، 1362: 13).

نویسندگان رئالیست حیات درونی و روحی انسان و تضادهای آن را پدیده‌های منفرد و مستقل به حساب نمی‌آوردند، بلکه همیشه رابطه‌ی بسیار نزدیک و تنگاتنگی بین خواسته‌ها و تمایلات دنیای باطن شخصیت‌ها و تضادهای جهان مادی ایجاد می‌کردند و شخصیت‌های آثارشان را نیز در حال عمل و حرکت نشان می‌دادند و هر زمانی تأثیر و تأثر متقابل حوادث دنیای خارج با احساسات انسانی وسیعتر می‌شد، جنبه‌های رئالیستی اثر هم افزایش می‌یافت.

نویسندگان رئالیستی زندگی را عموماً و صفات بشری را خصوصاً به مثابه‌ی سیر تکاملی در نظر می‌گرفتند نه به منزله‌ی سلسله‌ای از پدیده‌های مجزا که با یکدیگر و شرایط تاریخی ارتباطی ندارند. در دیدگاه آنان تضاد و همبستگی عامل اصلی و سازنده‌ی حیات اجتماعی بود (پرهام، 1360: 20-43). آنان جنبه‌های اجتماعی رفتار انسان را در جامعه و واکنش او را نسبت به تحولات تاریخی، اجتماعی و اقتصادی بررسی کردند و هرگز انسان را از محیط زندگی‌اش جدا نکردند.

در رئالیسم کلاسیک، حوادث داستان بیانگر تنش موجود بین فرد و

نظام اجتماعي بود. قهرمان داستان در تضاد با جهان اطراف نشان داده ميشد و از اين طريق مسائل مهم و اساسي اجتماعي بررسي و اثراتش بر زندگي و خلكيات شخصيت منعكس ميشد. به همين دليل در آثار رئاليستي هويت شخصيت داستان وابسته به محيط اجتماعي بود و نويسنده با بهره گيري از مسائل اجتماعي جامعهي معاصر خود، ساختمان و مسائل جامعه را مورد تحليل قرار ميداد؛ انسان و محيط، شخصيت و اوضاع و احوال اجتماعي شكل دهندهي آن، از يكدیگر جدايي ناپذير بودند و تأثیر متقابل آنها تمام روندهاي داستان را در بر ميگرفت.

### 3-1-1-1-اهمیت دادن به تاریخ

تحولات سياسي و اجتماعي در آثار رئاليستي ارتباط تنگاتنگي باهم دارند. در حقيقت نويسنده با توصيف اجتماع و سياست هاي حاكم بر آن، تاريخ جامعهي خود را به تصوير مي كشد. نويسندهي رئاليست تاريخ را زمينههاي براي آگاهيهاي دقيق تلقي مي كند نه سرچشمههاي براي خيال بافي. به همين دليل گذشتههاي كه در آثار رئاليستي مطرح ميشود بيشتر گذشتهي نزديك جامعههاي است كه نويسنده متعلق به آن است (سيد حسيني، 1387: 278).

داشتن يك چشم انداز تاريخي، يكي از معيارهاي عمده در رئاليسم سوسياليستي محسوب ميشود، نويسندگان رئاليست سوسياليستي به مشاهده و تجسم توده ها به عنوان نيروي محرك تغييرات اجتماعي و عامل سازندهي تاريخ مي پردازند. تاريخگرايي آگاهانه، به نويسندگان اين امكان را مي دهد كه عنصر مسلط اجتماعي بر شخصيت را به عنوان عامل اصلي تكامل معنوي او ببينند و در مقايسه با رئاليسم انتقادي، روابط به مراتب پيچيده تري را ميان فرد و جامعه تحليل كنند و به عرصه ي پژوهش درآورند (ساچكوف، 1362: 253).

يكي از دلایل مهم توجه به تاریخ در آثار رئاليستي، آفرینش شخصیت نوعی و تپیک است. این نوع شخصیتها باید در بردارندهی خصوصیات،

خلفیات و منش خاص یک دوره و شرایط اجتماعی و تاریخی معین باشند و به عنوان یک انسان تاریخی؛ یعنی به مثابه‌ی نقطه‌ی تلاقی نیروهای متضاد گوناگون جامعه و نیز نماینده‌ی یک نیروی خاص اجتماعی باشند (همان: 80). رویدادها و حوادث در آثار رئالیستی برخاسته از بطن موقعیت‌های تاریخی و اجتماعی است و شخصیتها نیز در این جامعه و در شرایط گریز ناپذیر تاریخی و اجتماعی قرار دارند.

#### 4-1-1-1 بی‌طرفی نویسنده در روند داستان

رمانتیسیسم مکتبی «ذهنی» یا «درونی» (subjective) بود؛ یعنی نویسنده خود در جریان نوشتهاش مداخله می‌کرد و به اثر خود جنبه‌ی شخصی و خصوصی میداد، اما رئالیسم مکتب «عینی» یا «بیرونی» (objective) است (سیدحسینی، 1387: 287).

از آنجا که اثر رئالیستی، بنابر طبیعت خود، بیان‌کننده‌ی دشواریها و کامرانیهایی است که جنبه‌ی عمومی دارد، نویسنده رئالیست نمیتواند تنها به تجربیات شخصی خود که در دوران زندگی انباشته قناعت کند. عدم دخالت احساسات نویسنده در روند داستان باعث متمایز شدن واقعیت‌های عینی از تصورات قراردادی یا موهومات فردی دربارهی واقعیت میشود و به همین دلیل است که نویسنده‌ی رئالیست از مقدم داشتن نیت خود بر واقعیت اجتناب میکند و معتقد است که هرچه هست در خود واقعیت است، نه در قالب‌گیریهایی که ما از واقعیت ارائه میدهیم (پرهام، 1360: 49-55).

نویسنده‌ی معتقد به شیوه‌ی بیان رئالیسم، نمی‌تواند احساسات درونی، ذهنی و پندارهای خود را در توصیف و تشریح واقعیت‌های زندگی دخالت دهد. او باید نگرشی غیرشخصی و عینی داشته باشد و با بیطرفی موضوعی را از زندگی واقعی مردم عادی برگزیند و داستان آنها را عیناً بازگو کند.